



ترجمه محمد نادر خان

### خود را بشناس

بشر حینیکه میرود دوره زندگی خود را طی نماید در راه با حوادث بی شمار دچار گردیده و برای نجات خود دست و پا میزند. اما نجات و کامیابی آن مربوط به خلیای دماغ خود آن است؛ هر گاه شما طریق استخراج فکر صحیح را از آن در یافت نمودید، در شغل و عمل خود ها فائزاً لمرام میگردید جوف دماغ مرکز عده تفکیر است، اگر محافظه آنرا به سلامتی نموده و استعمال ویرا بخوبی نمائید تفکیر بیک طریق ثابت طرف حکم صائب جریان مینماید .

لیکن تو چستی ای آنکه محافظه ات به درستی و استعمالت بخوبی تو صیه میگردد؟ تو بک ذات مرکب از سه ذره؛ عقل که فکر مینماید و ضمیر که معتاد میسازد و اراده که نافذ میکند؛ اگر این سه عنصر به سلامت بوده از نقص بری باشد، شما نیز از نقص و زیان و ارتکاب ذنوب به سلامت خواهید ماند .

اینرا فراموش نباید نمود که بزرگترین حوادث سیئه نتیجه سوء تدبیر سوء تفکر و خرابی ضمیر و سستی و خوابیدگی اراده است .

وقتا که در شغل و عمل خودها ضعف و یا بسکدام حادثه نقص و زیان بیابید؛ سراغ آنرا از خلیای دماغ خودها باید نمود .

ناکامی شما در مدرسه ' یا ناامیدی شما در مشروع ' یا نقص کشیدن شما در مال

یا عقیم ماندن سعی و کوشش شما در عمل و حتی لغزش پای شما، و یا آسیب موثر و عراده برای شما، یا افتادن تان در چقوری، و یا مریضی و علیلی خودتان، سبب همه این‌ها علیلی و یا خلل موقتی است که در خالیای دماغ شما واقع گردیده. جمع حوادث مشؤمه و منحوسه که در جامعه حادث میگردد از سبب بیماری و علیلی عقل‌ها و ضمیرها و اراده‌هاست.

زیرا که نظام طبیعت و اجتماع مبنی بطریق ثابتی است که جز بمرور احقاب و ادهار و عصور تغیر آن ممکن نیست.

پس اگر رعایت منطقی تفکر خودها را مراعات فرمودید بدانید که از شاه راه هدایت به تنگنای ضلالت فرو نخواهید رفت.

با لعکس اگر در آن تجا هل ورزیدید و یا بعضی از آن را بی اهمیت شمردید پس کلمه مقدسه انسانیت کامل را از خود نفی فرموده اید. لذا ازین به بعد طفلیکه دماغ آن هنوز قبول امتحان و تعلیم و تنقیف را کرده نمی‌تواند مواخذه نباید نمود.

چطور که تفکر خوب مینماید؟

قدرت تفکر با وسعت معرفت متناسب است.

هر قدریکه شما دارای معلومات هستید به همان اندازه بوسون فکر سدید و فرمان صائب نظر به مقایسه و استدلال و استنتاج دسترسی پیدا مینمائید پس بر شماست که اندیشه و تفکر شما در دایره معلومات خودتان منحصر گردد.

اگر در موضوعیکه از دایره معلوماتتان خارج است درنگ مینمائید لازم است که ازدیاد معرفت و اطلاع نمائید. یعنی وقتا که در موضوعی عمیق می‌شوید و جز به سختی و دشواری آنرا فهمیده نمی‌توانید پس لازم و واجب است تا ذریعه کتاب یا معلم یا صاحب تجربه آن طلب آگاهی ورزید جهل شما فقط نه تنها از روی جاهلی است.

گاهی در جمیع احوال موضوع یا مشرو عیکه برای حل قضیه آن فکر می نمائید و فرمان صلاحیت یا فساد آنرا میدهید خودتان را عالم گمان می نمائید . وقتیکه به تفکر خودتنها ایستاده و به معرفت قاصره خود اعتماد نمودید دیری نمیگذرد که در عمل خود ها ضعیف می شوید و بعد از آن نادانی و جهل خود ها را اکتشاف نموده نادانی خود ها را نظر به ناهمهی تان پوره حس میکنید .

ازین روی بی شائبه اغراق می توان گفت که از تقدیم به تنفیذ فرمان خود قبل از استشارة شخصیکه میدانید نظر بدخود شما در آن موضوع از روی علم یا تجربه مراتب عالی تری را پیموده پر حذر باید بود . و یا مشاهده نمائید که این موضوع و امر برای غیر از خود شما چه مناسبت دارد ؟

« باقی دارد »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

